

مقایسه شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی در زنان متقاضی طلاق و گروه عادی

ناهید مفردنژاد*

دانشجوی دکترای گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

مرتضی منادی

دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی در زنان متقاضی طلاق و عادی با کنترل طول مدت ازدواج و وضعیت اجتماعی اقتصادی بود. تحقیق حاضر، توصیفی از نوع پس‌رویدادی و جامعه آماری آن کلیه زنان متقاضی طلاق و عادی شهرستان بهبهان بودند که از بین آن‌ها ۵۰ زن متقاضی طلاق و ۵۰ زن عادی با روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از آزمون ذهن‌خوانی از روی تصویر چشم و مقیاس ترس از ارزیابی منفی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده شد. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری با سطح معناداری ($p < 0/05$) نشان داد که بین زنان متقاضی طلاق و عادی در متغیرهای شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی تفاوت وجود دارد. بعد از کنترل طول مدت ازدواج و وضعیت اجتماعی اقتصادی، شناخت اجتماعی در زنان متقاضی طلاق پایین‌تر از زنان عادی و ترس از ارزیابی منفی در آن‌ها بالاتر از زنان عادی به دست آمد. با در نظر گرفتن نتایج پژوهش، توجه ویژه به ماهیت و کیفیت پردازش‌های شناختی و هیجانی در موفقیت زناشویی زوج‌های جوان پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی

شناخت اجتماعی، ترس از ارزیابی منفی، طلاق، طول مدت ازدواج، وضعیت اجتماعی اقتصادی

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۱۱

DOI: 10.22051/jwsps.2018.15881.1494

مقدمه

ازدواج از مهم‌ترین و پایدارترین روابط بین‌فردی است. نقش خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی یا کارکردهای مختلف آن می‌تواند هم در جنبه مثبت آن یعنی ایجاد کانون آرامش و هم در جنبه منفی به شکل آسیب اجتماعی، بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. از عوامل تهدیدکننده این واحد اجتماعی بروز آسیبی تحت عنوان طلاق^۱ است (ترودل و گولد فورب^۲، ۲۰۱۰). توکل و حیدری (۲۰۱۵)، طلاق را پدیده روانی-اقتصادی می‌دانند که به خصوص از بعد روانی موجب ناهنجاری‌های بسیار زیادی در فرد می‌شود، اما بولکن^۳ (۲۰۱۵)، عنوان می‌کند اگرچه پدیده طلاق به نظر مشکلی شخصی تلقی می‌شود، اما ابعاد اجتماعی بسیار دارد و باعث بد کارکردی در عملکرد خانواده به عنوان سنگ بنای جامعه می‌شود.

طبق پژوهش‌های دفتر امور آسیب‌دیدگان اداره بهزیستی، تقاضای طلاق در ایران نسبت به گذشته افزایش یافته است، به طوری که از اواخر دهه هشتاد شاهد سیر صعودی و چشم‌گیر آن بوده‌ایم و بر طبق آخرین آمارها، میزان طلاق‌های ثبت شده در ایران ۱/۲ درصد گزارش شده است که ۸۰ درصد آن‌ها به تقاضای زنان واقع شده است (عابدی‌نیا، بوالهروی و نقی‌زاده، ۱۳۹۴) در حالی که محققان بسیاری (تامبورینی، کوچ و ریزنیک^۴، ۲۰۱۵؛ یپ، یوسف، چان، یانگ و وو^۵، ۲۰۱۵)، معتقدند که اثرات زیان‌آور طلاق در زنان بیشتر از مردان است. زنان متقاضی طلاق با بالاترین میزان استرس مواجه می‌شوند، زیرا مجبورند زندگی خود را از نو با هنجارهای اجتماعی دیکته شده توسط خانواده، دوستان و فرهنگی تطبیق دهند که در آن زندگی می‌کنند (حسنوندی، ولی زاده، مهرابی زاده هنرمند و محمد اسماعیلی، ۲۰۱۳).

پژوهش‌های گذشته عوامل مختلفی از جمله عوامل شخصیتی (حسینی جوانمرد و محمدی قره‌گوزلو، ۲۰۱۳)، سبک‌های ارتباطی^۶ (امیری، فرهودی، عبد لوند و رضایی بیداخوبیدی، ۲۰۱۱؛ بابایی گرمخانی، مدنی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۳)، سبک‌های دلبستگی^۷ (اخوی

1. divorce
2. Trudel and Goldfarb
3. Bolkan
4. Tomborini, Couch and Reznik
5. Yip, Yousuf, Chan, Yung and wu
6. communication styles
7. attachment styles



ثمرین، نوابی نژاد، ثنایی ذاکر و اکبری، ۱۳۹۲؛ زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۱)، سلامت روان (قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۳)، مشکلات اجتماعی، جنسی و اعتیاد (عابدی نیا، بوالهری و نقی زاده، ۱۳۹۴)، سن پایین در هنگام ازدواج (کلوبوکر و سیمونیک^۱، ۲۰۱۶) را در وقوع طلاق بررسی کرده‌اند در حالی که مطالعه شناخت اجتماعی و اثر آن در ایجاد نارضایتی زناشویی در سال‌های اخیر به‌عنوان یک زمینه پژوهشی بکر و دست نخورده مورد توجه محققان قرار گرفته است. شناخت اجتماعی شامل مجموعه فرایندهای شناختی فرد درباره افکار، نگرش‌ها، رفتارها و مسائل هیجانی خود و اطرافیان است که در این زمینه شخص درباره خود به‌عنوان یک انسان و روابطش با دیگران، براساس نتایج همان پردازش‌های شناختی گفته شده استدلال می‌کند (کیلن و کاپلان^۲، ۲۰۱۱). فرایند شناخت اجتماعی، فرد را در پیش‌بینی رفتار دیگران، کنترل خود و در نتیجه تنظیم تعاملات اجتماعی توانا می‌کند (ریدی^۳، ۲۰۱۱). نظریه‌های اخیر، ظرفیت بهره‌مندی از توانایی پیش‌بینی حالات ذهنی دیگران را متشکل از دو مؤلفه ادراکی-اجتماعی^۴ و شناختی-اجتماعی^۵ می‌دانند. مؤلفه ادراکی-اجتماعی برای رمزگشایی حالات ذهنی ذهنی دیگران بر مبنای اطلاعات قابل مشاهده دردسترس مورد نیاز است، حال آنکه مؤلفه شناختی-اجتماعی دربرگیرنده توانایی استدلال درباره حالت‌های ذهنی به قصد پیش‌بینی یا توصیف رفتار دیگران است (سیگال و وارلی^۶، ۲۰۰۲).

پژوهش‌های مختلفی از جمله لسه^۷ و همکاران (۲۰۱۷)، دانجلو و مک کانن^۸ (۲۰۱۷)، وانگ^۹ و همکاران (۲۰۱۵) و مک دونالدز^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۴) بر نقش شناخت اجتماعی در مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی تأکید داشته‌اند و عبدی، نجاتی، ذبیح‌زاده، محسنی و محمدی (۱۳۹۴)، معتقدند که توانایی رمزگشایی حالات ذهنی، بهترین میانجی عملکرد اجتماعی است و زوجینی که از توانایی

1. Klobucar and Simonic
2. Killen and Caplan
3. Reddy
4. social-perceptual
5. social-cognitive
6. Siegal and Varley
7. Lecce
8. DeAngelo and Mccannon
9. Wang
10. Mc Donalds

پایین‌تری در درک، تشخیص و ارزیابی دیدگاه طرف مقابل بهره‌مند هستند، در مقایسه با دیگران مشکلات بین فردی بیشتری دارند. توانایی پیش‌بینی حالات ذهنی دیگران به صمیمیت و تبادل مثبت در یک رابطه (داتیلو^۱، ۲۰۱۰)، و کمبود یا فقدان آن به اعمال و رفتارهای پرخاشگرانه (ویتتر، اسپنگلر، برم پوهل، سینگر و کانسکه^۲، ۲۰۱۷) منجر می‌شود که چنین واکنش‌هایی به‌عنوان ویژگی‌های رفتاری زوج‌ها در ازدواج‌های موفق و ناموفق محسوب می‌شود. کارنی و گوئر^۳ (۲۰۱۰)، تام، لی، فو و لیم^۴ (۲۰۱۱) و جنسن^۵ (۲۰۱۰)، معتقدند روش‌هایی که زوجین یکدیگر را درک، تفسیر و ارزیابی می‌کنند، تأثیر معناداری بر کیفیت زناشویی آن‌ها دارد و درک دیدگاه طرف مقابل، از پیش‌بین‌های مهم کیفیت زناشویی است.

از سویی دیگر، پژوهش‌های مختلف از جمله نجاتی، مقصودلو و معین اسلام (۱۳۹۵)، معتقدند توانایی زنان در تشخیص هیجانات، تشخیص و بیان چهره‌ای آن و درک دیدگاه دیگران از مردان قوی‌تر است، لذا یکی از اهداف این پژوهش مقایسه‌ی شناخت اجتماعی در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی است؛ برای پاسخ دادن به این سؤال که آیا کمبود مهارت ذکر شده در آن‌ها می‌تواند به عنوان یکی از علل شکست در ازدواج تلقی شود؟

از دیگر متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش ترس از ارزیابی منفی^۶ است. در بافت روابط میان فردی نگرانی افراد از ارزیابی نامناسب دیگران از آن‌ها به عنوان یک عامل بازدارنده درون فردی حائز اهمیت ویژه‌ای است (گراوند، شکری، خدائی، امرایی و طولابی، ۱۳۹۰). زنانی که در زندگی، زناشویی موفق را تجربه نمی‌کنند، سطح بالایی از استرس و کمبود عزت نفس را گزارش می‌کنند (موند، فین، هاگمیر، زیمرمن و نیر^۷، ۲۰۱۵) و لیپتون، ویکز و دلوس ریز^۸ (۲۰۱۶)، معتقدند استرس بالا باعث گرایش افراد به پردازش اطلاعات تهدیدکننده می‌شود و نقش توجه متمرکز بر خود^۹ در این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توجه متمرکز بر

1. Dattilo
2. Winter, Spengler, Bermppohl, Singer and Kanske
3. Karney and Gauer
4. Tam, Lee, Foo and Lim
5. Jensen
6. fear of negative evaluation
7. Mund, Finn, Hagemeyer, Zimmermann and Neyer
8. Lipton, Weeks and De los Reyes
9. self-focused attention



خود، به جابه‌جایی توجه از محرک‌های بیرونی به سمت بازبینی دقیق خود در موقعیت‌های ارتباطی اشاره دارد. این افراد در موقعیت‌های ارتباطی و اجتماعی، در پاسخ به اطلاعاتی که دریافت می‌کنند (به طور نمونه چهره برافروخته یا حتی لبخند)، سوگیری‌های پردازش توجهی و تفسیری نشان می‌دهند و اطلاعات دریافتی را تحریف کرده، آن‌ها را خصمانه پردازش می‌کنند (برای مثال به نشانه تحقیر یا پوزخند). زمانی که زوجین در ارتباط با یکدیگر و در پاسخ به اطلاعات دریافتی گرایش‌های توجهی منفی از خود نشان دهند، این امر، مانع تمرکز آن‌ها بر اطلاعاتی می‌شود که در نقطه مقابل این باورها قرار دارد (شفیعی، زارع، علی‌پور و حاتمی، ۱۳۹۳) و لذا زمینه درگیری‌های بین فردی و تعارضات زناشویی به وجود می‌آید.

وقتی افراد می‌ترسند که مورد ارزیابی منفی دیگران قرار بگیرند، توجهشان را به سمت محرک‌های تهدیدکننده درونی مثل واکنش‌های اضطراب سوق می‌دهند. اضطراب بالا، شانس ارزیابی مجدد موقعیت را از بین می‌برد و با عملکرد اجتماعی در تعارض قرار می‌گیرد (لطفی، ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۹۳) زیرا فرد از موقعیت‌هایی پرهیز می‌کند که در آن‌ها امکان ارزیابی اجتماعی وجود داشته باشد و به مرور زمینه انزوای خود و خانواده را فراهم می‌کند، در حالیکه رضایت زناشویی دارای ابعاد مختلفی است که روابط با اطرافیان و دوستان و گذراندن اوقات فراغت با آن‌ها از جمله آن است، لذا اختلال در عملکرد اجتماعی زوجین، از مهم‌ترین تهدیدکننده‌های رضایت زناشویی است (لاونر، کرنی و بردبری، ۲۰۱۶) و زمینه‌ساز درگیری و کشمکش خانوادگی می‌شود که می‌تواند در دراز مدت پیامدهای منفی مانند طلاق را در پی داشته باشد. سازه ترس از ارزیابی منفی به‌طور گسترده در اختلالات هراس اجتماعی و سایر اختلالات روانی بررسی شده است، اما در جمعیت غیر بالینی جای خالی پژوهش‌هایی در این حیطه احساس می‌شود. با عنایت به اهمیت این سازه در پردازش اطلاعات اجتماعی در موقعیت‌های میان فردی، در تحقیق حاضر این سازه در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی مقایسه شد.

عدم توانایی زوجین در درک دیدگاه طرف مقابل از یک سو و سوگیری‌های پردازشی و تفسیری از نشانه‌ها و محرک‌های بیرونی از سوی دیگر به‌عنوان دو نقص یا عدم مهارت زمینه‌ساز درگیری و تنش‌های زناشویی می‌شود و خانواده را به سمت گرفتن تصمیم‌های پر ریسک مانند جدایی و طلاق سوق می‌دهد که این پدیده به‌طور ویژه برای زنان فشار روانی و حتی مالی بالایی را

به وجود می‌آورد. در همین راستا سبارا و کوئن^۱ (۲۰۱۷) نیز نشان دادند که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل سطوح بالاتری از فشار مالی را تحمل می‌کنند و نمرات کم‌تری در شاخص‌های مربوط به ارزیابی سلامت عمومی و روانی نشان می‌دهند. گوستاوسون، روی سامب، وون سوئست، هلاند و ماتیسن^۲ (۲۰۱۲)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مطلقه و میانسال بودن در زنان از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت زندگی پایین است. لذا با عنایت به مطالب ذکر شده و اهمیت سازه‌های شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی در روابط بین فردی، در این پژوهش برای اولین بار این سازه‌ها در زنان متقاضی طلاق و عادی مقایسه شد، به این امید که با شناخت بیشتر از عوامل تأثیرگذار بر پدیده طلاق، بتوان اقدامات پیشگیرانه را از همان ابتدا و در قالب آموزش‌های پیش از ازدواج گنجاند. لذا سؤال اصلی پژوهش این بود که آیا بین شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی با کنترل متغیرهای طول مدت ازدواج و وضعیت اجتماعی-اقتصادی در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی تفاوتی وجود دارد؟

روش پژوهش

طرح این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای یا پس رویدادی بود. جامعه آماری این پژوهش از دو بخش تشکیل شده بود: جامعه زنان دارای پرونده طلاق ارجاع داده شده به واحد مشاوره دادگستری شهرستان بهبهان از آذر ماه سال ۱۳۹۵ - اردیبهشت ۱۳۹۶ و جامعه زنان متأهلی که شهروند عادی شهرستان بهبهان بودند و سابقه درخواست طلاق نداشتند. از میان افراد دو جامعه در نهایت ۵۰ نفر با توجه به معیارهای ورود به پژوهش (تشابه سنی «محدوده سنی ۲۰ - ۴۵ سال» و تمایل به مشارکت) و به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. به منظور جلوگیری از اثرگذاری متغیرهای طول مدت ازدواج و وضعیت اجتماعی-اقتصادی، اطلاعات مربوط به این متغیرها با پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی از شرکت‌کنندگان اخذ شده و به عنوان متغیرهای کوواریانس در تحلیل نهایی محاسبه شد. شیوه نمونه‌گیری در جامعه زنان متقاضی طلاق به این صورت بود که ۵۰ زن متقاضی طلاق ارجاع داده شده به واحد مشاوره انتخاب شدند که معیارهای ورود به پژوهش را داشتند. در میان زنان عادی با توجه به ملاک‌های ورود ۷۰ زن از

1. Sbarra and Coan

2. Gustavson, Roysamb, Vonsoest, Helland and Mathiesen



اعضای خانواده و دوستان زنان متقاضی طلاق انتخاب شد که هیچ گاه درخواست طلاق ارائه نداده بودند و از این تعداد زنانی وارد مطالعه شدند که توانستند نمره بالاتر از ۴۰ را در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ کسب کنند. میانگین سنی نمونه، ۲۹ سال و میانگین طول مدت ازدواج آن‌ها ۸/۵ سال بود. از پرسشنامه‌های زیر برای گردآوری اطلاعات استفاده شد:

آزمون ذهن خوانی از روی تصویر چشم^۲: این آزمون، آزمونی عصب‌شناختی است که توسط بارون-کوهن، ویل رایت، هیل، راسته و پلامب^۳ (۲۰۰۱) برای سنجش ذهن‌خوانی ساخته شده است. در غالب مطالعات صورت گرفته برای بررسی شناخت اجتماعی، توانایی ذهن‌خوانی و تئوری ذهن از این آزمون عصب‌شناختی استفاده شده است. این آزمون تصاویری از ناحیه چشم بازیگران و هنرپیشه‌ها را در ۳۶ حالت مختلف شامل می‌شود. برای هر تصویر، چهار واژه توصیف‌کننده حالت‌های ذهنی ارائه می‌شود که از ظرفیت هیجانی مشابهی بهره‌مند هستند. پاسخ دهنده تنها از طریق اطلاعات بینایی موجود در تصویر، باید گزینه‌ای را که به بهترین نحو توصیف‌کننده حالت ذهنی شخص موجود در تصویر است، از بین چهار گزینه انتخاب کند. حداکثر امتیاز قابل اکتساب برای انتخاب واژگان درست در این آزمون ۳۶ و کم‌ترین آن صفر است. پروست^۴ و همکاران (۲۰۱۴) ضریب آلفای کرونباخ آزمون را ۰/۷۷ و ضریب پایایی بازآزمایی آن را در فاصله یک ماه مطلوب گزارش کردند. نجاتی، ذبیح‌زاده، ملکی و محسنی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای ضریب آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۷۲ و ضریب پایایی بازآزمایی آن را در نمونه‌ای متشکل از ۳۰ دانشجو و در مدت زمان ۲ هفته ۰/۶۱ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، اعتبار آزمون با روش بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته ۰/۹۴ و پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

فرم کوتاه مقیاس ترس از ارزیابی منفی^۵: این مقیاس را لری^۶ (۱۹۸۳) با ۱۲ پرسش طراحی کرد که میزان اضطراب تجربه شده افراد یا ارزیابی منفی آن‌ها را اندازه‌گیری می‌کند. در این مقیاس هر پرسش بر روی یک طیف پنج درجه‌ای (۱= هرگز صدق نمی‌کند تا ۵= تقریباً همیشه

1. Enrich Marital Satisfaction Scale
2. Reading the Mind in the Eyes Test (RMET)
3. Baron-Cohen, Wheelwright, Hill, Raste and Plumb
4. Prevost et al
5. Brief Fear of Negative Evaluation Scale (BFNES)
6. Leary

صدق می‌کند) پاسخ داده می‌شود. نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطوح بالاتر تجربه اضطراب و ترس هستند. لری (۱۹۸۳) ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس را در جامعه دانشگاهی بررسی و ضریب همبستگی آن را با فرم بلند خود ۰/۹۶ و پایایی بازآزمایی آن را بعد از دو هفته ۰/۷۵ گزارش کرده است. شکری، گراوند، نقش، طرخان و پاییزی (۱۳۸۷) همسانی درونی را برای سؤالات نمره‌گذاری شده مثبت شده ۰/۸۷ و برای سؤالات نمره‌گذاری منفی شده ۰/۴۷ و برای کل مقیاس ۰/۸۴ نشان دادند. در پژوهش حاضر، اعتبار آزمون با روش بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته ۰/۸۹ و پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

یافته‌های پژوهشی

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی را در دو گروه زنان متقاضی طلاق و عادی نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین (و انحراف معیار) شناخت اجتماعی در گروه متقاضی طلاق ۱۱/۶۴ (و ۴/۵۵) و در گروه عادی ۲۰/۰۶ (و ۶/۳۷) است. میانگین (و انحراف معیار) ترس از ارزیابی منفی در گروه متقاضی طلاق ۴۴/۶۲ (و ۱۰/۲۶) و در گروه عادی ۲۶/۴۲ (و ۷/۳۵) است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمره‌های شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی در دو گروه زنان متقاضی طلاق و عادی

متغیرها	شاخص‌های آماری	گروه‌ها
شناخت اجتماعی	میانگین	متقاضی طلاق عادی
	انحراف معیار	
ترس از ارزیابی منفی	میانگین	متقاضی طلاق عادی
	انحراف معیار	

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل کوواریانس چند متغیری (مانکوا) استفاده شد. برای مقایسه نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کولموگراف-اسمیرنف^۱ استفاده



شد و شرط نرمال بودن داده‌ها تأیید شد. هم‌چنین براساس آزمون باکس^۱ که برای هیچ یک از متغیرها معنادار نبود، شرط همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس به درستی رعایت شده است (Ljung-Box = -13/85, F = 0.87, P = 0.59). برای بررسی همسانی واریانس‌های بین گروهی از آزمون لون^۲ استفاده و با اثبات عدم معناداری آن برای همه متغیرها، آزمون کوواریانس چند متغیری قابل اجرا بود. مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهند که بین دو گروه زنان متقاضی طلاق و عادی در حداقل یکی از متغیرهای وابسته تفاوت وجود دارد. برای بررسی نقطه تفاوت تحلیل کواریانس یک راهه در متن مانکوا روی متغیرهای وابسته انجام شد.

جدول ۲: خلاصه نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری برای مقایسه نمره‌های شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی دو گروه زنان متقاضی طلاق و عادی با کنترل طول مدت ازدواج وضعیت اجتماعی-اقتصادی

نام آزمون	مقدار	F	df (درجه آزادی فرضیه)	df اشتباه	سطح معناداری
اثر پیلای ^۳	۰/۸۲	۲/۱۸	۲	۹۵	۰/۰۰۰۱
لمبدای ویلکز ^۴	۰/۱۸	۲/۱۸	۲	۹۵	۰/۰۰۰۱
اثر هتلینگ ^۵	۴/۵۸	۲/۱۸	۲	۹۵	۰/۰۰۰۱
بزرگترین ریشه روی ^۶	۴/۵۸	۲/۱۸	۲	۹۵	۰/۰۰۰۱

جدول ۳ نتایج تحلیل کواریانس یکراهه در متن مانکوا را برای مقایسه دو گروه با کنترل طول مدت ازدواج و وضعیت اجتماعی-اقتصادی نشان می‌دهد. با توجه به مندرجات جدول ۳ در هر دو متغیر وابسته (شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی) تفاوت معنادار بین زنان متقاضی طلاق و عادی وجود دارد.

1. Ljung-Box
2. Levene
3. Pillai's Trace
4. Wilks' Lambda
5. Hotelling's Trace
6. Roy's Largest Root

جدول ۳: نتایج تحلیل کواریانس یکراهه در متن مانکوا روی نمره‌های متغیرهای وابسته (شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی) با کنترل طول مدت ازدواج و وضعیت اجتماعی-اقتصادی در دو گروه زنان متقاضی طلاق و عادی

اثر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات (SS)	درجه آزادی (df)	میانگین مجذورات (MS)	نسبت F	سطح معناداری
	شناخت اجتماعی	۱۴۸۹/۰۲	۱	۱۴۸۹/۰۲	۲۸/۲۱	۰/۰۰۰۱
ت	ترس از ارزیابی منفی	۶۱۷۶/۰۳	۱	۶۱۷۶/۰۳	۱۳/۷۳	۰/۰۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی با کنترل طول مدت ازدواج و وضعیت اجتماعی اقتصادی در زنان متقاضی طلاق و عادی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین زنان متقاضی طلاق و عادی در متغیرهای شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری نشان داد که شناخت اجتماعی در زنان متقاضی طلاق پایین‌تر از زنان عادی است و این نتیجه با پژوهش عبدی، نجاتی، ذبیح‌زاده، محسنی و محمدی (۱۳۹۱) و کارنی و گوئر (۲۰۱۰) در رابطه با پایین بودن نمرات همدمی و ذهن‌خوانی در زوج‌های متقاضی طلاق نسبت به زوج‌های عادی همسو است. برای تبیین این یافته می‌توان گفت وقتی شناخت اجتماعی و دیدگاه فهمی در روابط بین زوجین وجود داشته باشد، اعمال کنترل در روابط کاهش می‌یابد و همچنین درک متقابل بالا رفته و باعث کاهش موقعیت‌های تعارض می‌شوند که به نوبه خود کیفیت روابط زناشویی را بالا برده (جنسن، ۲۰۱۰)، به رضایت از زندگی زناشویی منجر می‌شود و از عوامل خطر برای درگیری‌های زناشویی و پیامد دراز مدت آن یعنی طلاق و جدایی جلوگیری می‌کند. زوجینی که شناخت اجتماعی بالاتری دارند، بیشتر احتمال دارد که تعاملات مثبت داشته باشند و بنابراین، احتمال بیشتری هست که در روابطشان حمایت‌کننده باشند. توانایی اطلاع از حالات و دیدگاه‌های شریک زندگی، مخصوصاً در زمان تعارض، سازگاری زناشویی را بالا برده و به اسنادی منجر می‌شود که بیشتر وابسته به موقعیت و کم‌تر شخصی است. این موضوع باعث می‌شود که تعارض و درگیری به عوامل موقعیتی نسبت داده شود (خجسته مهر،



سبحانی جو و رجبی، ۱۳۹۲). کارنی و گوئر (۲۰۱۰)، نیز اعتقاد دارند که ذهن‌خوانی و شناخت اجتماعی از مؤلفه‌های همدلی است و همدلی رابطه مستقیمی با روابط صمیمانه دارد. شناخت اجتماعی همسر می‌تواند زمانی را که زوجین با هم می‌گذرانند بیشتر کند و آن‌ها را از لحاظ عاطفی به همدیگر نزدیک کند، زیرا زمان صرف شده زوجین با هم از مؤلفه‌های مهم کیفیت زناشویی و به تبع آن عامل جلوگیری کننده از دلسردی زناشویی است.

شناخت اجتماعی پایین زمینه‌ساز خودمحوری در فرد می‌شود. خود محوری نقطه مقابل درک دیدگاه دیگران و به معنی نادیده گرفتن آراء، افکار و نظرات دیگران است که مانع از شکل‌گیری مطلوب روابط انسانی می‌شود. وقتی زوجین به علت شناخت اجتماعی پایین و خودمحوری بالا نتوانند پیامدها و عواقب نامطلوب عدم ارتباط مناسب را پیش‌بینی کنند، رضایت آن‌ها از رابطه زناشویی کاهش می‌یابد، زیرا انتظارات آن‌ها برآورده نمی‌شود. طبیعی است که وقتی ارتباط ضعیف باشد و نیازها و انتظارات زوجین برآورده نشود، کیفیت روابط زناشویی پایین خواهد آمد (دآنجلو و مک کانن، ۲۰۱۶).

نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری نشان داد که ترس از ارزیابی منفی در زنان متقاضی طلاق بالاتر از زنان عادی است. در این راستا هیرن، لیونس و فلیپات^۱ (۲۰۱۱)، اعتقاد دارند که ترس از ارزیابی منفی به صورت معناداری با اختلال در کیفیت زندگی مرتبط است. این ویژگی از این باور نشأت می‌گیرد که فرد معتقد است رفتارش از نظر اجتماعی پیامدهای مصیبت‌باری خواهد داشت و تحقیر و شرم‌نده می‌شود. بنابراین، از موقعیت‌های اجتماعی اجتناب می‌کند و این امر به سهم خود سیکل معیوب ترس از ارزیابی اجتماعی را تشدید می‌کند. فرد معتقد به ارزیابی منفی از خود در رابطه با همسر، محیط را به منظور یافتن هرگونه نشانه بالقوه ارزیابی منفی می‌کاود و حالات چهره یا لغات را به عنوان محرک‌های تهدیدآمیز تلقی می‌کند و آن‌ها را مبین طرد و عدم پذیرش از جانب همسر خود در نظر می‌گیرند (روزنمن، ورسینگ و امیر^۲، ۲۰۱۱). این امر موجب ارزیابی منفی آن‌ها از ارتباط می‌شود و زمینه‌ساز دلزدگی زناشویی را فراهم می‌کند و طلاق راه حل محتمل و انتخابی است که به ذهن زوجین خطور می‌کند.

پژوهش حاضر، اولین پژوهش در زمینه مقایسه شناخت اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی

-
1. Heeren, Lievens and Philippot
 2. Rozenman, Weersing and Amir

در زنان متقاضی طلاق و عادی در ایران است و یافته‌ها و نتایج پژوهش کاربردهای نظری و عملی را القا می‌کند. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر بر نقش اساسی و تعیین‌کننده دیدگاه فهمی و فرآیندهای توجه به عنوان سازه‌های مؤثر در بهبود کیفیت و زناشویی و متعاقب آن رضایت از زندگی زناشویی تأکید می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌هایی جداگانه ارتباط این سازه‌ها با سازگاری زناشویی در زوج‌های موفق و دارای رضایت بالا از زندگی زناشویی بررسی شود. در سطح عملی، با توجه به یافته‌های پژوهش، لازم است که دیدگاه فهمی ادراک شده در زوجین به منظور بهبود کیفیت زناشویی تقویت شود و برای زوجینی که احیاناً از کیفیت زناشویی پایینی بهره‌مند هستند، آموزش مهارت‌های فهم و درک دیدگاه طرف مقابل در اولویت قرار گیرد. هم‌چنین با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، در برنامه‌های آموزشی تلویزیون و کارگاه‌های پیش از ازدواج جلسات و بروشورهایی با مضامین اهمیت دیدگاه‌گیری، درک دیدگاه و حالات ذهنی دیگران و نقش سوگیری در توجه به محرک‌های اجتماعی و اثرات آن‌ها در کیفیت رابطه زناشویی برگزار و تهیه شود. از سوی دیگر با توجه به نقش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در جلوگیری از خودمحوری، آموزش این مهارت‌ها در قالب کارگاه‌های پیش از ازدواج یا آگاهی‌دادن به زوج‌های متقاضی طلاق توسط مشاورین دادگستری توصیه می‌شود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر جمع‌آوری اطلاعات براساس پرسشنامه (شیوه خود گزارش‌دهی) بوده است که این نوع فرآیند جمع‌آوری اطلاعات ممکن است منشاء سوگیری تک بعدی قرار گیرد. نمونه‌های مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده، نشان‌دهنده تعداد محدودی از زنان متأهل و ناراضی از زندگی زناشویی یا با کیفیت زندگی زناشویی پایین است و این تعداد در مقابل زوجینی که مستعد طلاق هستند، ولی بدون مراجعه به دادگاه کماکان به زندگی زناشویی ادامه می‌دهند، بسیار کم است و در گسترش نتایج به زوجین مستعد طلاق، باید احتیاط کرد. محدودیت دیگر ماهیت مقطعی - توصیفی پژوهش انجام شده بود که حصول به نتایج علی‌را با دشواری رو به رو می‌کند، لذا بهتر است در قالب یک طرح آزمایش این متغیرها مجدد بررسی شود تا تعمیم‌پذیری آن‌ها افزایش یابد.

تشکر و قدردانی

در خاتمه از کلیه شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر با ما همکاری کرده‌اند و در تکمیل پرسشنامه‌ها وقت گذاشته و دقت لازم مبذول نموده‌اند، تشکر و سپاسگزاری می‌کنیم.



منابع

- اخوی ثمین، زهرا، نوایی نژاد، شکوه، ثنایی ذاکر، باقر و اکبری، مهدی (۱۳۹۲). سبک‌های دلبستگی و میزان بخشودگی میان زنان متقاضی طلاق و زنان عادی. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۱ (۲): ۵۵-۸۲.
- بابایی گرمخانی، محسن، مدنی، یاسر و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۳). بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق. *مشاوره کاربردی*، ۴ (۱): ۶۷-۸۴.
- خجسته مهر، رضا، سبحانی جو، شمسعلی و رجبی، غلامرضا (۱۳۹۲). اثر مستقیم و غیرمستقیم دیدگاه فهمی بر کیفیت زناشویی: آزمودن یک مدل میانجی. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۸ (۳۲): ۱۵۱-۱۲۹.
- زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق شهر یزد. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲ (۴): ۵۷۱-۵۵۴.
- شفیعی، حسن، زارع، حسین، علی‌پور، احمد و نجاتی، وحید (۱۳۹۳). ساخت و اعتباریابی آزمایه رایانه‌ای دات-پررب کلمه‌ای جهت بررسی سوگیری توجه در اضطراب اجتماعی. *مجله علوم رفتاری*، ۸ (۲): ۱۱-۱۲.
- شکری، امید، گراوند، فریبرز، نقش، زهرا، طرخان، رضاعلی و پاییزی، مریم (۱۳۸۷). ویژگی‌های روانسنجی فرم کوتاه مقیاس ترس از ارزیابی منفی. *مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۳): ۳۲۵-۳۱۶.
- عابدی‌نیا، نسرین، بوالهروی، جعفر و نقی زاده، محمد مهدی (۱۳۹۴). مقایسه عوامل زمینه ساز تقاضای طلاق بر حسب جنسیت. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۱ (۱): ۱۷۷-۱۴۱.
- عبدی، محمدرضا، نجاتی، وحید، ذبیح‌زاده، عباس، محسنی، مصطفی و محمدی، روح‌الله (۱۳۹۱). مقایسه توانایی‌های همدلی و ذهن‌خوانی در زوجین متقاضی طلاق و گروه عادی. *اندیشه و رفتار*، ۷ (۲۶): ۷۱-۸۱.

قاسمی، علیرضا و ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۸ (۲۶): ۳۷-۷.

گراوند، فریبرز، شکری، امید، خدائی، علی، امرایی، مردان و طولابی، سعید (۱۳۹۰). هنجاریابی، روایی و پایایی نسخه کوتاه مقیاس ترس از ارزیابی منفی در نوجوانان دانش آموز ۸-۱۲ ساله شهر تهران. مطالعات روان‌شناختی، ۷(۱): ۹۵-۶۵.

لطفی، صدیقه، ابوالقاسمی، عباس و نریمانی، محمد (۱۳۹۲). مقایسه پردازش هیجانی و ترس از ارزیابی‌های مثبت و منفی در زنان دارای فوبی اجتماعی و زنان عادی. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۴ (۵۳): ۱۱۱-۱۰۱.

نجاتی، وحید، مقصودلو، مهدیس و معین اسلام، مینا (۱۳۹۵). سیر تحول بازشناسی هیجان در نمونه ای از کودکان ایرانی. فصلنامه علمی پژوهشی طب توانبخشی، ۵ (۱): ۸۴-۷۵.

Abdi, M., Nejati, V., Zabeh Zadeh, A., Mohseni, M. and Mohammadi, R. (2012). The Comparison of empathy and mind-bending abilities in couples applying for divorce and normal group. *Journal of Clinical Psychology Andishe va Raftar*, 7(26): 71-81(Text in Persian).

Abedinnia, N., Bolhari, J. and Naghizadeh, M. (2015). The comparison of predisposition factors on request divorce on gender. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 11(1): 141-177(Text in Persian).

Amiri, M., Farhoodi, F., Abdolvand, N. and Bidakhvidi, A. R. (2011). A study of the relationship between big-five personality traits and communication styles with marital satisfaction of married students majoring in public universities of Tehran. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30: 685-689.

Akhavi Samin, Z., Navabi Nezhad, SH., Sanaeei Zaker, B. and Akbari, M. (2013). Attachment Style in divorced and normal women, *Quarterly Journal of Womens Studies sociological and Psychological*, 11(2): 55-82(Text in Persian).

Babaei Ghaarmkhani, M., Madani, Y. and Lavasani, M. (2014). Investigating the relationship between unrealistic relationship standards and communication patterns and their roles in predicting marital burnout in divorce-seeking women, *Journal of Applied Counseling*, 4(1): 67-84(Text in Persian).

Baron-Cohen, S., Wheelwright, S., Hill, J., Raste, Y. and Plumb, I. (2001). The "Reading the Mind in the Eyes" test revised version: A study with normal adults, and adults with Asperger syndrome or high-functioning autism. *Journal of child*



- psychology and psychiatry*, 42(2): 241-251.
- Bolkan, A. (2015). The Effects of Life Skills Psycho-education Programme on Divorced Women's Level of Inner Directed Support and Analysis of this Effect Based on Types of Marriage and Various Demographic Features. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 205: 655-663.
- Dattilio, F. M. (2009). *Cognitive-behavioral therapy with couples and families: A comprehensive guide for clinicians*. Guilford Press. New York.
- DeAngelo, G. and McCannon, B. (2017). Theory of Mind Predicts Cooperative Behavior. *Economic Letters*, 155(16): 1-4.
- Ghasemi, A. and Sarokhani, B. (2013). Social factors of divorce and mental health in couples applying for divorce and non-consensual. *The Women and Families Cultural-Educational Quarterly*, 8(26), 7-37(Text in Persian).
- Gravand, F., Shokri, O., Kjoadaei, A., Amraei, M. and Toolabi, A. (2011). Standardization, Validity and Reliability of the brief Fear of negative evaluation scale for 12-18 Years old adolescents in Tehran. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 7(1):65-96(Text in Persian).
- Gustavson, K., Røysamb, E., von Soest, T., Helland, M. J. and Mathiesen, K. S. (2012). Longitudinal associations between relationship problems, divorce, and life satisfaction: Findings from a 15-year population-based study. *The Journal of Positive Psychology*, 7(3): 188-197.
- Hasanvandi, S., Valizade, M., Honarmand, M. M. and Mohammadesmael, F. (2013). Effectiveness of stress management on mental health of divorced women. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84: 1559-1564.
- Heeren, A., Lievens, L. and Philippot, P. (2011). How does attention training work in social phobia: disengagement from threat or re-engagement to non-threat?. *Journal of Anxiety Disorders*, 25(8): 1108-1115.
- Javanmard, G. H. and Garegozlo, R. M. (2013). The Study of Relationship between Marital Satisfaction and Personality Characteristics in Iranian Families. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84: 396-399.
- Jensen, J. F. (2010). *What is Good Spousal Support? Examining Support Delivery and Outcomes* (Doctoral dissertation, Auburn University).
- Karney, B. R. and Gauer, B. (2010). Cognitive complexity and marital interaction in newlyweds. *Personal Relationships*, 17(2): 181-200.
- Killen, M. and Caplan, R. (2011). *Social development in childhood & adolescence*. United Kingdom: Willy- Black Well.
- Khojasteh Mehr, R., Sobhanijoo, Sh. and Rajabi, GH. (2014). Direct and indirect effect of perspective-taking on marital Quality: Testing a Mediation Model, *Journal Management System*, 8(32):129-151(Text in Persian).
- Lavner, J. A., Karney, B. R. and Bradbury, T. N. (2016). Does Couples' Communication Predict Marital Satisfaction, or Does Marital Satisfaction Predict

- Communication?. *Journal of Marriage and Family*, 78(3): 680-694.
- Leary, M. R. (1983). A brief version of the Fear of Negative Evaluation Scale. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 9(3): 371-375.
- Lipton, M. F., Weeks, J. W. and De Los Reyes, A. (2016). Individual differences in fears of negative versus positive evaluation: Frequencies and clinical correlates. *Personality and Individual Differences*, 98: 193-198.
- Lotfi, S., Abolghasemi, A. and Narimani, M. (2014). A comparison of emotional processing and fear of positive/negative evaluation in women with social phobia and normal women. *Journal Management System*, 14(53):101-111(Text in Persian).
- McDonald, S., Gowland, A., Randall, R., Fisher, A., Osborne-Crowley, K. and Honan, C. (2014). Cognitive factors underpinning poor expressive communication skills after traumatic brain injury: *Theory of mind or executive function?* *Neuropsychology*, 28(5): 801.
- Mund, M., Finn, C., Hagemeyer, B., Zimmermann, J. and Neyer, F. J. (2015). The dynamics of self-esteem in partner relationships. *European Journal of Personality*, 29(2): 235-249.
- Nejati, V., Naghsudloo, M. and Moein Eslam, M. (2016). Developmental Trajectory of emotion recognition in sample of Iranian children. *Scientific Journal of Rehabilitation Medicine*, 5(1): 75-84(Text in Persian).
- Prevost, M., Carrier, M. E., Chowne, G., Zekowitz, P., Joseph, L and Gold, I. (2014). The Reading the Mind in the Eyes test: validation of a French version and exploration of cultural variations in a multi-ethnic city. *Cognitive neuropsychiatry*, 19(3): 189-204.
- Reddy, L. (2011). The Recovery Of Cognitive And Social Cognitive Functioning In Response To Social Cognition Interaction Training Administered In Community Settings: A longitudinal study.
- Rijavec Klobučar, N. and Simonič, B. (2016). Risk factors for divorce in Slovenia: a qualitative study of divorced persons' experience. *Journal of Family Studies*, 1-16.
- Rozenman, M., Weersing, V. R. and Amir, N. (2011). A case series of attention modification in clinically anxious youths. *Behaviour research and therapy*, 49(5): 324-330.
- Sbarra, D. A. and Coan, J. A. (2017). Divorce and health: good data in need of better theory. *Current Opinion in Psychology*, 13: 91-95.
- Shafiee, H., Zare, H., Alipoor, A. and Hatami, J. (2014). Development and Validation of the computer-based word dot-probe task for investigation of the effect of attentional bias on social anxiety. *International Journal of Behavioral Sciences*, 8(2): 149-154(Text in Persian).
- Shokri, O., Geravand, F., Naghsh, Z., Ali Tarkhan, R. and Paezi, M. (2008). The



- psychometric properties of the brief fear of negative evaluation scale. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14(3): 316-325(Text in Persian).
- Siegal, M., & Varley, R. (2002). Neural systems involved in'theory of mind'. *Nature Reviews Neuroscience*, 3(6): 463-471.
- Tam, C. L., Lee, T. H., Foo, Y. C. and Lim, Y. M. (2011). Communication skills, conflict tactics and mental health: A study of married and cohabitating couples in Malaysia. *Asian Social Science*, 7(6): 79.
- Tamborini, C. R., Couch, K. A. and Reznik, G. L. (2015). Long-term impact of divorce on women's earnings across multiple divorce windows: A life course perspective. *Advances in Life Course Research*, 26: 44-59.
- Trudel, G and Goldfarb, M. R. (2010). Marital and sexual functioning and dysfunctioning, *depression and anxiety*. *Sexologies*, 19(3): 137-142.
- Wang, W. H., Shih, Y. H., Yu, H. Y., Yen, D. J., Lin, Y. Y., Kwan, S. Y and Hua, M. S. (2015). Theory of mind and social functioning in patients with temporal lobe epilepsy. *Epilepsia*, 56(7): 1117-1123.
- Winter, K., Spengler, S., Bempohl, F., Singer, T. and Kanske, P. (2017). Social cognition in aggressive offenders: Impaired empathy, *but intact theory of mind*. *Scientific reports*, 7(1): 670.
- Yip, P. S., Yousuf, S., Chan, C. H., Yung, T. and Wu, K. C. C. (2015). The roles of culture and gender in the relationship between divorce and suicide risk: a meta-analysis. *Social Science & Medicine*, 128: 87-94.
- Zareei Mahmood Abadi, H. (2013). Examination of attachment styles and personality factors as predictors of divorce in normal and divorce applicant couples in Yazd, Iran. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2(4): 554-572(Text in Persian).



A comparison of social cognition and fear of negative evaluation between women seeking divorce and not seeking divorce

Nahid Mofradnejad¹
Morteza Monadi²

Abstract

The purpose of the present study was to compare social cognition and fear of negative evaluation in women seeking divorce seeking and the ones not seeking divorce, by controlling the length of marriage and socio-economic status. Fifty subjects of divorce seeking women and fifty non-divorce seeking women were selected by random sampling. This study used a descriptive design to gather data were with the means of Reading the Mind in the Eyes Test and Brief Fear of Negative Evaluation Scale. Also, MANCOVA test was used for analyzing the data. The result of MANCOVA ($P < 0.005$) revealed that there was significant difference between social cognition and fear of negative evaluation between women seeking divorce and the women not seeking divorce. The social cognition of the women seeking divorce was less than that of women not seeking divorce. The fear of negative evaluation was more among the women seeking divorce. Based on the findings, attention must be paid to the nature and quality of cognitive and emotional processes for the marital success of young couples.

Keywords

social cognition; fear of negative evaluation; divorce, length of marriage, socio-economic status

1. PhD Student, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

Submit Date: 2017-06-06

Accept Date: 2018-03-02

DOI: 10.22051/jwsp.2018.15881.1494